



جورج گروس
طرح



یادبود

در باره «علیرضا یلدا»؛ پدر طب عفونی ایران که در شب یلدا درگذشت

بزرگ و سبک‌بار



ابوالفضل فرید
دانشگاه علوم پزشکی تهران

استاد یلدای بزرگ در شب یلدا آسمانی شد. اما چه می‌شود که همه آنها که استاد یلدا را می‌شناختند، از عمق جان بر «بزرگ» بودن ایشان باور داشتند؟ بزرگی، حاصل هم‌نشینی ملکات روحی و اخلاقی و حسن رفتار و کردار برای بیش از ۶۰ سال خدمت حرفه‌ای است. استاد یلدا در عرصه علمی خود، اولین پزشک جانش عنوان «چهره ماندگار» و پدر طب عفونی ایران شناخته می‌شد و از پیشگامان این رشته در ایران بود اما در همین حد متوقف نبود. عده زیادی دم از اخلاق می‌زدند اما ماندگاران آنها که تجسم عملی اخلاق باشند که آن را تبلیغ می‌کنند، استاد یلدا در سراسر عمر مایل برکت خود اولویت را مردم و بیماران می‌دانست. به‌جز مدت بسیار کوتاهی، مطب خصوصی نداشت و در بیمارستان‌های دولتی بیماران را ویزیت می‌کرد و شریف‌ترین روزهای زندگی خود را این‌گونه توصیف کرده بود: «روزهایی که به تشخیص می‌رسیدم و می‌فهمیدم بیمار از چه مشکلی رنج می‌برد». استاد بیش از هر چیز تبلیغ انسانیت و معنویت می‌کرد و مهرش به کشور و وطن عیان و آشکار بود. هیچ‌گاه کشور را ترک نکرد و برای مردم، خالصانه خدمت کرد و همگان را به خدمت دعوت می‌کرد. در آخرین مصاحبه‌های خود خطاب به پزشکان جوان گفته بود که «تنها توصیه‌ها این است که به اصل پزشکی که انسان دوستی و خدمت به مردم و بیماران است توجه داشته باشند. به اینها که توجه کنند پول هم خودش می‌آید، نگران نباشند». استاد یلدا محفلی که می‌توانست واسطه خیر به مردم باشد را از دست نمی‌داد و بی‌حضور می‌یافت. می‌گفت بی‌چشم‌داشت به امور خیریه بپردازد، حضور می‌یافت. می‌گفت بی‌چشم‌داشت محبت کنید، خیلی چیزها را با پول و مادیات نمی‌توان خرید، محبت کسانی بود که در آنجا رفت و آمد داشتند. استاد برای آن جلسات آموزش کار مجسم مهربانی بود. ماشین شخصی نداشت. هر روز صبح با تاکسی به بیمارستان می‌آمد و در جلسات گزارش صبحگاهی بخش عفونی بیمارستان امام خمینی (ره) حاضر می‌شد. قدم زدن آرام و یاقار استاد و سلام و خداحافظی با تک‌تک حاضران آن جلسات صبحگاهی از دانشجویان تا اساتید و چهره بر مهر و لبخند استاد، از خاطرات ماندگار همه کسانی است که محضر استاد را درک کرده‌اند. اتاق ایشان در انتهای راهروی بخش عفونی، قوت قلبی برای همه کسانی بود که در آنجا رفت و آمد داشتند. استاد برای آن می‌خواند که «تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن/ به‌دمی یاد زمی یاقلمی یاقلمی» استاد عزیز ما، پنج‌شنبه ۳۰ آذر در ۸۷ سالگی، بزرگ‌رفت سکنین نیکبخت، سبک‌باران، سبک‌بالان هستند. خدایش بیامرزاد که خود نمونه‌ای کامل از آنچه بود که می‌گفت و توصیه می‌کرد. این چند کلمه شتاب‌زده هم در شأن استاد نبود و نیست اما چاره چیست که پاس داشتن حقیقی شأن استاد در توان این قلم نیست.

طرح

جامعه‌فردا

روزنامه صبح ایران

شنبه ۲ دی ۱۳۹۶

سال اول، شماره ۴۳

Culture@Jameefarda.com

ریاضی در مغز

باز خوانی یک سخنرانی از «پرویز شهریاری» پس از ۱۷ سال



عبدالرحمن نجمل رحیم
عصب شناس و عصب پژوه

نگاهی به جدول تاریخ سخنرانی‌های جلسات مغزپژوهی در ماه آخر پاییز نشان می‌دهد که ۱۷ سال پیش استاد پرویز شهریاری، سه سال قبل از مرگش نکاتی جذاب و نو درباره تاریخ ریاضیات عنوان کرده که حیف‌امد چکیده‌های از آن را برای خوانندگان این ستون ننویسم. برای آشنایی مختصر با این شخصیت برجسته، بد نیست بگوییم که استاد شهریاری بیش از ۵۰ سال محقق و معلمی بی‌نظیر در رشته ریاضی بوده و علاوه بر آن فعال فرهنگی بنیادار بوده که در عرصه‌های مختلف فلسفه، علم، هنر و ادبیات بود و علاوه بر ترجمه و تالیفات انبوه که سر به صدا جلد کتاب می‌زند، نشریات فرهنگی متعددی را در دوره‌های مختلف زندگی منتشر کرده و عاقبت در سال ۱۳۹۱، در سن ۸۶ سالگی از دنیا رخت بر بسته است.

نگاه تاریخی استاد شهریاری به ریاضیات بی‌بدیل و نشانه وسعت مطالعه شعورمندانه و عمیق او در این باره است. برداشت تاریخی او در این سخنرانی تا بیدار این موضوع است که ریاضی محصول مغز انسان است و ریشه ماورایی ندارد، بلکه در طول تاریخ تمدن بشر فارغ از مکان جغرافیایی، نژاد و فرهنگ، بسته به نیازها و نحوه زندگی و آداب‌تجربیات زیستی، در مغز انسان تحول پیدا کرده است. استاد شهریاری تأکید داشت که جدا و منفک دانستن ریاضی کاربردی از ریاضی نظری و حجاب کشیدن بین این دو شاخه از علم ریاضی، از نظر تاریخی مردود است و آن را نشانه نوعی تحمیل بر تری حیوانیه قومی - فرهنگی از سوی بعضی از تاریخ‌نگاران غربی دانست.

استاد پرویز شهریاری در این سخنرانی ادعا کرد که به نقش تمدن ایرانی در پیشبرد ریاضی به‌ویژه ریاضی کاربردی، از سوی تاریخ‌نویسان غربی، جفایی آشکار صورت گرفته است. او در این جلسه گفت که بشر با پیشرفت تمدن‌ها برای تقسیم زمین و ساختن خانه‌ها و معابد، در محاسبات عملی حجم‌های غیر سه‌ضلعی، دچار اشکالاتی شده بود. علاوه بر آن، در تمدن‌هایی چون بابل، مصر و شادای، نظام برده‌داری متمرکز، بین کار فکری و کار بدی شکافی عمیق ایجاد کرده بود و به همین دلیل رشد نظری ریاضیات برای حل مسائل عملی آن در زندگی روزمره، در مناطقی از تمدن‌های بشری رشد کرد که نظام برده‌داری غیرمتمرکزتری چون یونان داشتند. به‌عنوان مثال، ارشمیدوس که در ریاضی کاربردی و حساب صاحب‌نظر بوده، خود برده‌ای آزاد شده بود. پرویز شهریاری در این جلسه گفت که بسیاری از نکات قضیه هندسه اقلیدسی را قبل از اقلیدس در ابتدا، کرچی، دانشمند با اصالت ایرانی از طریق ریاضی کاربردی مطرح و حل کرده است. او تأکید کرد که کرچی نه کرخ‌های بوده و نه عرب، بلکه اهل کرج منطقه‌ای نزدیک ری در خاک ایران امروزی بوده است. او گفت عدد صفر را بابلی‌ها هزار سال قبل از میلاد مسیح کشف کرده بودند و بعدها هندی‌ها در بار دوم، آن را مجدداً کشف کردند. استاد شهریاری به رشد کند ابتدایی ریاضی از نظر تاریخی اشاره داشت و اولین دوره گذر از ریاضی عملی به ریاضی نظری و رسیدن از ایران به یونان را هفت میلیون سال ذکر کرد و اظهار کرد پس از آن، ریاضی نظری حدود هزار سال طول

جامعه‌درمغز

کشید تا مجدداً در سطحی عالی تر، کاربردی شود و به ایران برگردد و بعد از آن، رشد ریاضی شتاب بیشتری گرفت و در عرض ۶۰۰ سال در ایران به مرحله کاربردی درخشانی رسید. او گفت: خوارزمی در هزار و ۲۰۰ سال پیش راه‌حل جبری را برای حل معادلات عملی ریاضی پیشنهاد کرده است. جبر در ریاضی ابداع خوارزمی بوده است. ارزش عملی جبر خوارزمی، در فقه اسلامی در تقسیم ارث بین وراث اهمیت عملی و کاربردی خود را نشان داده و هنوز نیز در این زمینه مشکل گشاست. او گفت: مثلثات اولین بار در ایران مطرح شد و خواجه نصیرالدین طوسی اولین کتاب را درباره آن نوشت. هم چنین خاطر نشان کرد که خیام، اولین طرح‌کننده هندسه غیر اقلیدسی بوده، نه دانشمندی ایتالیایی که سال‌ها بعد از او مطرح شده است. استاد شهریاری، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، دانشمند ایرانی را اولین کسی دانست که اعداد اعشاری را کشف کرد و برای معادلات درجه سه راه‌حل ارائه داده است. در حالی که از او نامی در تاریخ ریاضیات غربی نیست. البته استاد شهریاری به موازات رشد تاریخی ریاضیات در فرهنگ چین و ژاپن و هند نیز اشاره کرد.

استاد پرویز شهریاری در این جلسه تأکید کرد که ریاضیات عمری به فراخانی عمر بشر دارد. می‌توان گفت حتی نشانه‌هایی از درک اولیه ریاضی در حیوانات نیز وجود دارد. مثل مرغ از گم شدن جوجه‌های از میان تعداد جوجه‌های خود - او گفت: ابتدای تمدن بشری عدد معنادار داشته، از ۱۸ هزار سال پیش استخوان‌هایی پیدا شده که روی آنها خط کشیده شده بود که نشانه اولیه ثبت تعداد بوده است. در بعضی از قبایل آفریقای عدد شماری آنقدر محدود بوده که تا عدد دو یا سه را می‌شناختند و بعد از آن برای شش فقط بسیار بوده است. برای بابلی‌ها عدد هفت عدد بی‌شماری بوده که بعد از آن وجود نداشته، بنابراین فقط تا عدد شش قابل شمارش بوده و به همین علت هفت آسمان، هفت برج و هفت... به این مناسبت شهرت پیدا کرده که عدد هفت در حیطه عدد غیر قابل شمارش قرار داشته است. نحسی ۱۳ شاید از این بابت باشد که در بابل به عدد ۱۲ که قابل شمارش بوده است دو چین می‌گفته‌اند و از ۱۲ به بعد را یعنی ۱۳ را عدد شیطانی می‌دانسته‌اند. این شاید به این خاطر باشد که ما در هر دست هفت بند انگشت داریم، سرخ پوستستان از مبنای عدد پنج به نشانه پنج انگشت استفاده می‌کردند، چون اغلب پاپر هته بودند از انگشتستان با هم برای شمارش کمک می‌گرفته‌اند.

خوب یا بد بودن اعداد، اعتقادی فیناغورثی است که حتی شادای، هم انسان و گردش افلاک را هم با اعداد مرتبط می‌دانند، که امروزه مبنای علمی ندارد. بین ریاضی و موسیقی نیز ارتباطاتی وجود دارد. فارسی ۱۱۰۰ سال پیش موسیقی را از شاخه‌های ریاضی می‌دانسته است. در ضمن استاد تأکید کرد در طول بیش از ۵۰ سال معلمی خود هیچ‌گونه تفاوت ماهوی در استعداد ریاضی آموزی بین پسران و دختران ندیده است.

همه بخش‌های این مرور تاریخی استاد پرویز شهریاری در سخنرانی ۱۷ سال پیش در جلسه مغزپژوهی ما، تأکیدی بر وحدت وجودی ریاضی کاربردی و نظری بود و این که هر دو شاخه ریاضی، محصول فعالیت مغز در طول تاریخ تمدن بشری و دستاوردی جهانی است و ربطی به امور مافوق طبیعی و برتر جویی‌های نژادی و فرهنگی ندارد. راستش باید دوباره تکرار کنم با مرور این سخنرانی و تطابق این نتیجه‌گیری تاریخی استاد پرویز شهریاری در ۱۷ ساله پیش با یافته‌های جدیدتر در علم مغزپژوهی امروز، چنان هیجان‌زده‌ام کرد که لازم دیدم تا آن را با اهل فرهنگ این مرز و بوم شریک شوم.



استاد پرویز شهریاری در این سخنرانی ادعا کرد که به نقش تمدن ایرانی در پیشبرد ریاضی به‌ویژه ریاضی کاربردی، از سوی تاریخ‌نویسان غربی، جفایی آشکار صورت گرفته است. او در این جلسه گفت که بشر با پیشرفت تمدن‌ها برای تقسیم زمین و ساختن خانه‌ها و معابد، در محاسبات عملی حجم‌های غیر سه‌ضلعی، دچار اشکالاتی شده بود. علاوه بر آن، در تمدن‌هایی چون بابل، مصر و شادای، نظام برده‌داری متمرکز، بین کار فکری و کار بدی شکافی عمیق ایجاد کرده بود و به همین دلیل رشد نظری ریاضیات برای حل مسائل عملی آن در زندگی روزمره، در مناطقی از تمدن‌های بشری رشد کرد که نظام برده‌داری غیرمتمرکزتری چون یونان داشتند. به‌عنوان مثال، ارشمیدوس که در ریاضی کاربردی و حساب صاحب‌نظر بوده، خود برده‌ای آزاد شده بود. پرویز شهریاری در این جلسه گفت که بسیاری از نکات قضیه هندسه اقلیدسی را قبل از اقلیدس در ابتدا، کرچی، دانشمند با اصالت ایرانی از طریق ریاضی کاربردی مطرح و حل کرده است. او تأکید کرد که کرچی نه کرخ‌های بوده و نه عرب، بلکه اهل کرج منطقه‌ای نزدیک ری در خاک ایران امروزی بوده است. او گفت عدد صفر را بابلی‌ها هزار سال قبل از میلاد مسیح کشف کرده بودند و بعدها هندی‌ها در بار دوم، آن را مجدداً کشف کردند. استاد شهریاری به رشد کند ابتدایی ریاضی از نظر تاریخی اشاره داشت و اولین دوره گذر از ریاضی عملی به ریاضی نظری و رسیدن از ایران به یونان را هفت میلیون سال ذکر کرد و اظهار کرد پس از آن، ریاضی نظری حدود هزار سال طول

حاشیه‌نگاری بر همایش بین‌المللی رازی در کرمانشاه یک دور همی بی نتیجه!



غلامحسین صدیقی افشار
فرهنگ‌نویس پیشکسوت

در میان صدها تن دانشمند برجسته ایرانی، چهره دو تن بسیار نمایان و شگفت‌انگیز است، رازی و بیرونی. این دو تن به‌جای باز تولید عقاید و افکاری کپی‌مسلوم فرض می‌شد، در شیوه زندگی و رفتار و اندیشه‌ها و تفکرات خود گرایان و انکا به مشاهده و تجربه بسیار به دانشمندان عصر جدید می‌مانستند. بی‌شک رازی در این زمینه در تاریخ علم دوره اسلامی یکی از پیشگامان بود و بسیاری او را بزرگ‌ترین پزشک‌پایینی همه اعصار دانسته‌اند. این او بود که دانش شیمی را از بند خرافات کیمیاگری رهایی داد و راه را برای پیدایش این علم گشود. او علم را تکامل‌پذیر دانست. رازی زندگی و کار روزمره را جدا از فلسفه نمی‌دانست و فلسفه را در ویارویی با هر عمل و پدیده‌ای لازم می‌شمرد. همین امر کسانی را که چون و چرا گفتار را حق مردم نمی‌دانستند به مخالفت با او وامی‌داشت.

یادداشت



ابوبکر محمد، پسر زکریا در سال ۲۲۳ شمسی در شهر ری زاده شد و در سال ۳۰۴ درگذشت. او پزشک، شیمی‌دان و فیلسوف بود و کتاب‌های زیادی درباره این دانش‌ها نوشت. در سال ۲۰۱۶ سازمان جهانی یونسکو سال ۲۰۱۷ را سال رازی نامید و شورای اداری انقلاب فرهنگی دانشگاه رازی کرمانشاه را مأمور برگزاری همایش بین‌المللی بزرگداشت رازی کرد. این همایش قرار بود در اردیبهشت ماه برگزار شود، ولی تا اقایان بیابند بر سر بودجه لازم و ترتیبات مصرف آن به توافق نرسند ماه‌ها وقت صرف شد. سرانجام در روزهای ۲۱ و ۲۲ آذرماه اسام این همایش برگزار شد.

در این «همایش بین‌المللی» نه تنها هیچ غیر ایرانی حضور نداشت، بلکه کسانی هم که بنا بر قاعده باید می‌بودند، حضور نداشتند. از قبیل وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش و دبیر کمیسیون ملی یونسکو در ایران. اینها پیشکش، دستکم انتظار می‌رفت همایش با پیام رئیس‌جمهور یا اقلاً با پیام رئیس کمیته تاریخ علم شورای انقلاب

روایت یک تصویر



یکی از معدود عکس‌های موجود از کارلوس

پلیس اتریش همکاری با گروه‌گانگیران را در دستور کار قرار داده و در ازای آزادی تیمی از گروه‌گان‌ها با تغییر عقیده داد و تصمیم گرفت به تونس برود، ولی تونس‌ها به هوایی اجازه فرود ندادند و آنها ناچار به الجزایر بازگشتند. گروه‌گانگیران در این فرودگاه قصد کشتن یمنی و آموزگار را داشتند اما وقتی اعلام شد در صورت کشته شدن حتی تک نفر، جان سالم به در نخواهد برد، این برنامه را اجرایی نکرده و دقایقی بعد به شرط عدم تعقیب قضایی تسلیم شدند. تا بدین گونه این گروه‌گانگیری بزرگ به پایان رسد. گروه‌گانگیری که بعدها فاش شد بزنگ‌ها بسیار عرستان و ایران بدین گونه تمام شده است.

لیچار بافان



جواد مجابی
نویسنده و شاعر

یک روز یک مجهول‌هویه به یک معلوم‌الحال گفت: ما چه گمانی کرده‌ایم که مردم با ما این‌طور... (گریه) معلوم‌الحال گفت: حالا خوب است هویت تو هنوز مجهول مانده، مرا بگو که حالم هم معلوم همه شده (گریه).

کسی که نسبت به چالاک‌اش خیلی خوش‌بین بود، وقتی می‌خواست به سیاق مهارت پیشین، خطر ماشین‌ها را که از روبروی می‌آمد رد کند، رفت زیر ماشین. خوش‌بین‌اش سالم باقی ماند همان‌جا در جاده همه چالاک بعدی.

۱۰ سال زحمت کشیده‌ام برای نوشتن یک رمان که تو دوسه روزه آن را می‌خوانی. کاش سه روزه می‌نوشتمش و تو ۱۰ سال وقت صرفش می‌کردی. مخاطب که این مشکل را از زبان نویسنده مجویش شنید، گفت: استاد! من یکی همان کاری را کرده‌ام که می‌خواست‌اش. الان چندسال است که رمانت را خریده‌ام و لایش را باز نکرده‌ام.

به‌عنوان پیشکسوت در بزرگداشت افرادی می‌کوشند، سلام و ادای احترام و عکس یادگاری‌ها. معای تلویحی‌اش اینکه برو کنار بگذار جایز شود برای دیگران، آیا رفتار معکوسی برای پس‌کسوت‌ها پیش‌بینی شده؟

دوست پیش‌کسوت گفت از این تجلیل‌های قلابی بزارم، نه پیش‌کسوت‌م نه پس‌کسوت‌م، اصلاً می‌خواهم اعلام کنم بی‌کسوت‌م. گفتم: آن وقت عده‌ای به‌خاطر شجاعت در اعلام برهنگی، مراسم تجلیل به‌بامی‌کنند.

در صف نماز میت شاعر مشهور، پیرمردان و پیرزنان بسیاری بودند که خبر داشتیم برای اولین بار است نماز می‌خوانند.

اولین سوآلی که از نزدیکان مرده می‌پرسند اینکه چند سال داشت و از چه مرضی مرده؟ لابد مهم است و تأثیر کلی دارد در میزان همدردی و اشک‌ریزی. ضمناً با دانستن مرض متوفای نوعی ارزیابی تطبیقی با خود می‌کنند.

آنکه از زنگی «بادست دیگری مسار می‌گیرد»، باید حدس بزند که زنگ‌ت‌تر از او هم روزی جایی پیدا می‌شود.

«در تسور چوپی نمی‌شود نان پخت» جنز سیاست‌مداران که از دیگ چوپین حلوا می‌خورند آن هم به چه فروانی.

کتابخانه

آنچه از روابط عمومی نمی‌دانیم



روابط عمومی چیست

کتاب «روابط عمومی چیست؟» که به تازگی منتشر شده، در راستای «روشنگری حرفه‌ای درباره روابط عمومی» است که علمی این عرصه، تبیین علمی مجموعه یادداشت‌های «احمد بیحیایی ایله‌ای» که طی ۱۰ سال اخیر برای نشریه‌های تخصصی ارتباطات و روابط عمومی، و سمینارها و کنفرانس‌های ملی روابط عمومی و روزنامه‌های سراسری نوشته شده است. کتاب در ۱۰ فصل فراهم آمده است که مستعمل بر عناوین روابط عمومی ایرانی می‌شود. همچنین نگارنده، در روابط عمومی و اخلاق، مطالعات اجتماعی، برنامه‌ریزی روابط عمومی، روابط عمومی و تبلیغات، روابط عمومی و تشریفات، روابط عمومی و اطلاع‌رسانی، روابط عمومی در عمل و روابط عمومی ایرانی می‌شود. همچنین نگارنده، در پیش‌گفتار کتاب، تحت نام به یاد استاد، سطور درباره «کامل‌معمد نژاد»؛ پدر علم ارتباطات ایران به رشته تحریر در آورده است. او همچنین از «حمید لطفی»؛ بنیان‌گذار و پدر روابط عمومی در ایران نیز یاد کرده است. کتاب «روابط عمومی چیست؟»، در ۱۸۲ صفحه و به قیمت ۱۵ هزار تومان، از سوی انتشارات سیمای شرق به طبع رسیده است.



رضا سلیمان نوری
روزنامه‌نگار

پایان گروگانگیری وزیران اوپک

محل برگزاری جلسه وزیران نفت اوپک شده و شش روز به تیراندازی کردند. در ۵ دقیقه اول آنها ۳ نفر را کشتند و سپس در سالن مواد منفجره کار گذاشتند. آنان، ۸۰ نفر، شامل ۱۲ وزیر نفت و ۶۸ کارمند و عضوهای نمایندگان را به گروگان گرفتند و سپس از مقامات اتریشی یک دستگاه اتوبوس با ۵ پنجره‌های پوشیده، یک هواپیما با ۳ خدمه و یک پر تاقضا کردند. آنان همچنین با انتشار بیانیه‌ای مده‌ای که تمام آرمان‌های اعراب را در آن ایام در خود داشت، خوانش شعار «سه‌نه» (نه «معاذ» نه «هذاکر» و نه «شامانی رژیم صهیونیستی») مقرب اجلاس سرنان عرب در خارطوم ۱۹۶۷، ترحیب کرده عملی که به اشغال هر قسمتی از سرزمین فلسطین مشروعبت می‌بخشد و... شدند. کارلوس و یاراتش که نام «سزیمان بازی انقلاب عرب» را بر خود گذاشته بودند، در مرحله بعد گروگان‌ها را به چهار گروه دوست شامل الجزایری‌ها، عراقی‌ها و لیبیایی‌ها، بی‌طرف شامل نایجری‌ها، ها، کویتی‌ها، اکوادوری‌ها، ونزوئلایی‌ها و گابونی‌ها، کارمندان دبیرخانه اوپک و سرانجام دشمن شامل اتباع ایرانی، عربستانی سعودی، امارات متحده عربی و قطر تقسیم کردند و سپس در بین افراد گروهی دشمن دنیامت کار گذاشتند. این امر باعث شد تا